

## تحلیلی بر انواع شعر در گویش بختیاری

علی آسمند جونقانی<sup>۱</sup>

### چکیده

مقاله حاضر با هدف تبیین اغراض مختلف اشعار گویش بختیاری تدوین شده است. در این پژوهش انواع ادبی در گویش بختیاری را به روش توصیفی و تحلیلی، مورد بررسی قرار داده‌ایم. آنگاه انواع مختلف تا پس از مشروطه همچون: سیاسی، دینی، فلسفی-چالشی، حماسی، گاگریوها، عاشقانه‌ها، فولکلورها و ترانه‌ها، توصیف‌ها، مناظره‌ها و انواع تازه رونق یافته در دوران انقلاب اسلامی همچون: شکوه و حسب‌حال، مفاخره، شعر انقلابی و پایداری، شعر اعتراضی و انتقادی و اخلاقی را با ملاحظه ویژگی‌های سبکی احصاء و نشان داده‌ایم و نمونه‌های عینی آن را آورده‌ایم. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که در عین تکرار انواع شعر بختیاری که موجب جذابیت آن شده، این نمونه‌ها بیانگر موضوعات گسترده فرهنگی در این قوم است که بیشتر آن‌ها پس از مشروطیت و انقلاب اسلامی رونق یافته است.

کلیدواژه‌ها: ایل بختیاری، سبک شعر، ادبیات قومی، شاعران بختیاری

## مقدمه

یکی از اقوام ایرانی که در بخش‌هایی از استان چهارمحال و بختیاری، خوزستان، لرستان و اصفهان زندگی می‌کنند قوم بختیاری است. به علت اهمیت این قوم در عرصه سیاسی و اجتماعی ایران به‌خصوص پس از مشروطیت محققان و نویسندگان ایرانی و غیر ایرانی به مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی و ادبی این قوم توجه کرده‌اند. از بین موضوعات مختلف در جامعه مورد بحث، ادبیات قوم بختیاری به‌عنوان مهم‌ترین وسیله شناخت فرهنگ قوم بختیاری است. این موضوع نگارنده را بر آن داشته تا به شناخت انواع مختلف ادبیات این قوم بپردازد. این پژوهش از این حیث دارای اهمیت است که گویش بختیاری جزئی از ادبیات و میراث معنوی ایران است. دیگر این‌که مطالعه اشعار این گویش داده‌های قابل توجهی از فرهنگ این ایل را به دست می‌دهد که به اقتضای موضوع پژوهش بسیار جدید و کارآمد است. همچنین اشعار این گویش به‌مثابه جزئی از ادبیات بومی سرود ایران دارای اهمیت است. این قوم به دلیل روح سلحشوری و شجاعت، اندیشه‌های شیعی و مصون ماندن از امتزاج و تداخل فرهنگی با دیگر اقوام ایرانی دارای ادبیاتی اصیل و بومی است. بر این اساس اگر ادبیات این قوم به‌خوبی شناخته و معرفی نشود ممکن است با گسترش زندگی اجتماعی و دگرگونی‌های بافت جغرافیایی دچار نابودی گشته و به باد فراموشی سپرده شود. البته شناخت نادرست و دانش اندک از میراث و سوابق ادبی بختیاری و همچنین نبود آثار مدون و مکتوب در گذشته، تصویری ناشایست از بساطت فرهنگی و قوت و ضعف ادبیات بختیاری در بین ایل وندان پدید آورده است که با تحقیق و پژوهش و ارائه آثار ادبی این نقطه ضعف را می‌توان جبران کرد به همین روی این تحقیق برای برآورده شدن این خواسته گامی کوچک محسوب می‌شود. شعر بختیاری علاوه بر زمینه‌ها و کارکردهای کهن تحت تأثیر ادبیات فارسی و دیگر اقوام از جمله لری با توجه به شرایط زندگی امروز این قوم زمینه‌های بالندگی و ظهور و کارکردهای فراوان یافته و در انواع مختلف از نظر محتوایی عرضه شده است. برای طبقه‌بندی انواع مختلف شعر گویش بختیاری باید به چند پرسش پاسخ داد. کلی‌ترین پرسش این پژوهش آن است که:

اغراض مختلف شعر گویش بختیاری از لحاظ محتوایی کدام است؟

این انواع ادبی دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟

با توجه به ویژگی‌های محتوایی و ساختاری آیا می‌توان طبقه‌بندی از انواع مختلف شعر بختیاری پیشنهاد کرد؟

### تاریخچه قوم بختیاری

واژه بختیاری نخستین بار در تاریخ گزیده (سال ۷۳۰ ه. ق) به صورت نام یکی از قبایل لر بزرگ ضبط شده است (امان‌اللهی، ۱۳۶۰: ۴۸) در شرف نامه امیر اشرف بدلیسی (۱۰۰۵) از قبایلی چون بختیاری، جوانکی، عقیلی گوتوند، آستارکی و... نام برده می‌شود که از سوریه به لر بزرگ می‌آیند و توسط اولاد فضلویه به آباد کردن سرزمین لر بزرگ مأمور می‌شوند (همان، ۱۳۷۰: ۸۴) لرهای یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های قومی ایران هستند که نزدیک به سه هزار سال پیش همانند دیگر آریائی‌ان از آسیای میانه به ایران آمدند (همان: ۸) لوریمر (*Lorimar*) شرق‌شناس در کتاب لهجه‌شناسی بختیاری می‌گوید: «عشایر بختیاری یکی از تیره‌های آریائی‌نژاد و ایرانی‌الصل هستند.» (*Lorimer 1922: 1*) در کتاب تاریخ بختیاری حدود بختیاری چنین توصیف شده است. «خاک بختیاری از طرف جنوب منتهی می‌شود به خوزستان از طرف مشرق به فارس از طرف شمال به اصفهان و از طرف مغرب به خاک لرستان و بروجرد.» (سردار/سعد، ۱۳۶۳: ۲۵) گویش مردم بختیاری لری بوده که به علت عوامل مختلفی چون ارتباط کم آن با دیگر مناطق هم‌جوار به لهجه‌های مختلف تقسیم می‌شود به گونه‌ای که گویش لری در منطقه بازفت بختیاری با لری لردگان و لری ایزده و مسجدسلیمان تفاوت‌هایی دارد گویش بختیاری‌های مقیم خوزستان تحت تأثیر لهجه‌های شوشتری و دزفولی قرار گرفته و از سوی دیگر اکثر شهرنشینان بختیاری تحت تأثیر فارسی رسمی کشور قرار گرفته و نوعی اختلاط زبانی را به وجود آورده‌اند.

### پیشینه پژوهش

پژوهش‌ها در مورد ادبیات این قوم به دور اخیر برمی‌گردد. سرهنگ ابوالفتح اوژن بختیاری در کتاب تاریخچه دو قرن اخیر شعرا و عرفای چهارمحال و بختیاری شرح حال ۸۶۱ نفر از شخصیت‌های این خطه را ثبت کرده است. آقای عبدالعلی خسروی در سال ۱۳۷۵ یکی از چهار جلد کتاب خود در مورد این قوم را به فرهنگ و ادبیات بختیاری

اختصاص داده و به معرفی شاعران و سروده‌های آنان پرداخته است. آقای غلام عباس نوروزی از سال ۱۳۷۴ در کتاب آزان در دو مجلد ضمن توجه به فرهنگ، هنر، تاریخ و تمدن بختیاری به‌طور پراکنده نمونه‌های شعر شاعران را هم در بخش‌هایی از کتاب گنجانده است. علی آسمند در سال ۱۳۸۰ در کتاب تاریخ ادبیات در قوم بختیاری موضوع شعر و شاعری در این قوم را مورد مذاقه قرار داده است. عباس قنبری در چند مقاله با موضوعات نقش و جایگاه زنان در ترانه‌های بختیاری، گونه‌شناسی ضرب‌المثل‌های بختیاری و گونه‌ترانه‌ها در ادبیات بختیاری در مجله‌های فرهنگ و ادبیات عامه و ادبیات و زبان‌های محلی در سال‌های گذشته همت گماشته است. پس از پیروزی انقلاب فصلنامه عشایر ذخایر انقلاب از سال ۱۳۶۶ به موضوعات مختلف زندگی این قوم از جمله ادبیات شفاهی و مکتوب اشاره کرده است. با این‌همه مقاله و نظر مستقلی تاکنون درباره انواع شعر بختیاری به لحاظ محتوایی ارائه نشده است.

### بحث و بررسی

بررسی شعر بر اساس نوع ادبی در شعر فارسی سابقه طولانی دارد. ایرانیان بر اساس محیط اجتماعی و افکار و اندیشه خود موضوعات شعر فارسی را رونق بخشیدند. امروز هم در بررسی انواع ادبی توجه به گونه‌های شعر یکی از انواع تحقیق است. اولین مشخصه‌ای که برای انواع ادبی شعر بختیاری قائلیم، شعر بودن آن است پس‌از آن ویژگی مهم دیگر محتوا و مضمون است که همین عامل سبب می‌شود تا نام آن را نوع ادبی بگذاریم. سپس ویژگی‌های دیگری از جمله حجم و وزن و... مورد توجه قرار می‌گیرد. بدیهی است که نمی‌توان ویژگی‌های ساختاری را از محتوا و مضمون جدا کرد. بختیاری‌ها هم تحت تأثیر شعر فارسی و فرهنگ بومی خود دارای انواع مختلف در شعر هستند. پیشینه مطالعه درباره انواع شعر و گویش بختیاری بسیار محدود و مختصر است. پیشینه مبهم شعر و شاعری در این قوم تا اواخر قرن دوازدهم ادامه داشته از آنجاکه عمده فعالیت شاعران ایران در اطراف دربار و حمایت آنان بوده است بعید به نظر می‌رسد قبل از این دوره در این منطقه دور از دربار شعر و شاعری پیشرفت عمده‌ای داشته و دارای رونق بوده باشد. پیشگامان شعر در این دوره عبارت‌اند: از ملا زلف‌علی کرآنی، حسین‌قلی خان

ایلخانی و مهرباب بختیاری. از همه مهم‌تر شاعری که دارای سبک خاص است و شاعران بختیاری از او پیروی و از اسلوب او تقلید کرده‌اند داراب افسر بختیاری است.

مهم‌ترین شاعران این دوره به گویش بختیاری شعر سروده‌اند. در مرحله اول این دوره سه شاعر بزرگ و صاحب سبک وجود دارد که اولین آن‌ها حسین‌قلی خان ایلخانی با تخلص «سیاره» بوده است. طبق بررسی‌های نگارنده، او نخستین کسی است که به گویش بختیاری شعر دارد و در سال ۱۲۶۷ ه.ق دوره ناصرالدین‌شاه، ایلخانی بختیاری بوده است. به علت سعایت فرهاد میرزا معتمدالدوله و ترس از قدرت او در جنوب کشور و روابط حسنه‌اش با ظل‌السلطان، ناصرالدین‌شاه دستور قتل او را به ظل‌السلطان حاکم اصفهان داد. او نیز حسین‌قلی خان را به اصفهان دعوت نمود و مسموم و هلاک کرد. دومین شاعر مطرح در خصوص انواع ادبی که مبدع چالش با خداوند است ملا زلف‌علی کرانی متخلص به «مجرم» بود. در مورد تاریخ تولد او اطلاع دقیقی در دست نیست. تولد او را اواسط نیمه دوم قرن سیزدهم می‌دانند. زادگاه او روستای کران بوده و در میزدج چهارمحال و بختیاری زندگی کرده و تاریخ وفاتش حدود سال ۱۳۴۰ ه.ق است. علاوه بر بخشی از اشعار او که چاپ شده «مناجات‌نامه و حدیث کساء» او معروف است. (نک. دهقان، ۱۳۷۶: ۴)

تقریباً پنجاه سال بعد از درگذشت ملای کرانی داراب افسر، سومین بومی سرای بختیاری پا به عرصه شعر و شاعری نهاد. مادرش، خواهر حسین‌قلی خان ایلخانی است. او از سی‌سالگی شروع به سرودن شعر کرد و دارای سه نوع مهم ادبی در قوم بختیاری است یکی در شعر سیاسی، دیگری در چالش با خداوند (با عنوان خداییه) و سوم در مناظره عاشقانه. اولین شعرش رستاخیز مسجد سلیمان است که به گویش لری به صورت نمایشنامه درآمد. ماجرای آن آمدن انگلیسی‌ها به ایران و اخذ امتیاز و استخراج نفت به وسیله «دارسی» است. او با تشکیل جلسات و گردهمایی‌ها و جلسات شعرخوانی و با الهام از چالش ملا زلف‌علی، خالق شعر معروف «خداییه» شد. شعر بومی بختیاری با ظهور داراب افسر به کمال رسید. شاعر شناخته‌شده دیگر این دوره پیمان بختیاری است. او در سال ۱۲۹۷ ه.ش متولد شد و در سال ۱۳۵۳ در تهران بدرود حیات گفت. مادرش عالم‌تاج از خاندان میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی بود. از ۱۱ سالگی شاعری را آغاز کرد و به مرتبه بلندی در شاعری رسید. اشعار او در دیوان «کویر اندیشه و خاشاک» باقی است. شاعر

مهم دیگر ابوالفتح اوژن بختیاری در سال ۱۳۲۴ ه. ق در شهرکرد به دنیا آمد و سپس در اصفهان و تهران به تحصیل پرداخت و کتاب «مجموعه شاعران چهارمحال و بختیاری» را گردآوری کرده است (اوژن بختیاری، ۱۳۳۲: مقدمه) حسین‌قلی مشفق ضرغام بختیاری از دیگر شاعران این دوره است که در سال ۱۲۸۴ ه. ش در بروجن متولد شد و در همان آغاز نوجوانی به شعر گرایش پیدا کرد او در سال ۱۳۵۱ در اصفهان درگذشت. شاعر دیگر این دوره خان‌باباخان اسعد فرزند سردار اسعد شاعر سیاسی است که در سال ۱۲۷۵ شمسی به دنیا آمد و در سال ۱۳۱۷ گرفتار و زندانی شد و دو سال بعد در زندان کشته شد. تحصیلات ابتدائی او در اصفهان و تهران و تحصیلات تکمیلی او در انگلستان بوده از اشعار اوست:

مدام آهنگران کوی تقدیر  
برای شیر می‌سازند زنجیر  
ز آه سوزناکم اندر این کاخ  
دل زنجیر شد سوراخ سوراخ  
(آسمند، ۱۳۸۰: ۶۷)

اسکندر خان عکاشه ملقب به ضیغم الدوله از خوانین و بزرگان طایفه بابادی در حدود سنه ۱۲۸۶ ه. ق متولد شد. او با سران بختیاری در واقعه مشروطیت فعال بود. همین شاعر است که «تاریخ بختیاری» را گردآوری کرده و دوبیتی‌های عاشقانه‌ای از خود به جای گذاشته است.

پس از انقلاب اسلامی در نتیجه تحولات و از بین رفتن خوانین و نفوذ آنان در منطقه بختیاری و حضور فرزندان این قوم به‌طور گسترده در مراکز علمی و دانشگاهی ادبیات قوم، همچون دیگر جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دچار دگرگونی شد. آثار این تحول را در اشعار شاعران و تکثر در انواع شعر می‌توان دید.

### انواع شعر بختیاری

با توجه به پیشینه شعر بختیاری برخی اغراض این نوع شعر را تنها پس از مشروطیت می‌توان جستجو کرد. در دهه‌های اخیر این نمونه‌ها شاخص‌تر شده و برخی انواع جدید همچون نوستالژی، مفاخره، پایداری، شعر جنگ و اشعار با مضامین انقلابی تحت تأثیر عوامل مختلف (پس از انقلاب اسلامی) به وجود آمده‌اند، بنابراین اکنون می‌توان با نظر به

مطالعات انجام شده آن‌ها را در شعر بختیاری شناسایی و ویژگی‌های آن‌ها را بیان کرد. این نمونه‌ها به لحاظ محتوایی در قالب‌ها و فرم‌های گوناگون گردآمده است و در گویش بختیاری در قالب‌های مختلف باید دارای مشخصات زیر باشد:

- شاعر آن را در یک موضوع و مضمون سروده باشد.
  - دارای پشتوانه فکری و اجتماعی باشد.
  - بدون توجه به میزان سطرها در هر نوع قالب می‌تواند سروده شده باشد.
  - ممکن است در برخی از مضمون‌ها هنوز با این گویش شعری سروده نشده باشد.
- اکنون دسته‌بندی‌های انواع شعر بختیاری از منظر محتوایی آورده می‌شود:

## الف. انواع شعر بختیاری پس از مشروطیت

### ۱. اشعار حماسی؛

این قوم دارای حماسه‌هایی است که برخی از آن‌ها را شاعران بختیاری به نظم کشیده‌اند. مورخان، سوابق مربوط به این موضوع را به جنگ غزنویان با هند و شجاعت بختیاری‌ها در مبارزه با هندویان رسانده‌اند ولی آنچه درست‌تر به نظر می‌رسد و دارای سوابق تاریخی هم هست مربوط به شجاعت‌های این قوم در جنگ قندهار و دوران نادرشاه افشار است. موضوع حماسه در اشعار این قوم تا جنگ بختیاری‌ها در دوره مشروطه و سپس جنگ با حکومت پهلوی ادامه داشته است. این حماسه‌ها باعث شده شاعران این قوم اشعار رزمی حماسی در وصف رشادت‌ها دلاوری‌ها و پهلوانی‌های دلاور مردان قوم خود بسرایند. بخشی از این اشعار به علت خفقان حاکم بر زمان از بین رفته و تنها به صورت شفاهی بر سر زبان‌هاست و سراینده آن‌ها معلوم نیست. پهلوانان این حماسه‌ها در قیام‌های محلی پیشتاز بوده و اکثر آن‌ها به واسطه ستیز با حاکمان و صاحبان قدرت به طرز فجیعی شکنجه شده و به قتل رسیده‌اند به همین روی سمبل مقاومت و شجاعت شده و در وصف آن‌ها اشعاری سروده شده است. از این نوع حماسه‌ها می‌توان به حماسه «آعلی داد»، حماسه «ابوالقاسم خان»، حماسه «علی مردان خان»، حماسه خان بابا خان مقتول به سال ۱۳۱۹ توسط عباس شش‌انگشتی، حماسه آ مهراب (مقتول به سال ۱۳۲۴)، حماسه آصیدال و آداوود اشاره کرد. ابیات زیر از حماسه «ابوالقاسم خان» است.

شاد اوی آقا ابول جومه گرامی / تا صد سال دال بخوره لاش نظامی / مر جنگه  
 مرجنگه، خدا دونه جنگ تْفنگه / بختیاری به یرش نظام و لنگر / میری آقا ابول و پشت  
 سنگر / مر جنگه مرجنگه، خدا دونه جنگ تْفنگه / بختیاری مین دلا غیرت بکارین / بروین  
 تهرن خراو ابول درارین / مر جنگه مرجنگه، خدا دونه جنگ تْفنگه / آقا ابول برنو  
 بلند / آر شوی بنگس بیا دشمن نمنده / مر جنگه مرجنگه، خدا دونه جنگ تْفنگه / مر چه  
 کرد آقا ابول شیر لروم / بروم تهرن خراو تقاس بسونم / مر جنگه مرجنگه، خدا دونه  
 جنگ تْفنگه / جونم با آقا ابول چی مرد کاری / شو و رو جنگ ایکنه سی بختیاری / مر  
 جنگه مرجنگه، خدا دونه جنگ تْفنگه / بی عظیمه ددر سردار جنگه / جنگ شیرم آ ابول  
 سی نوم ننگه / مر جنگه مرجنگه، خدا دونه جنگ تْفنگه / گوئل شیرم بگوین وا بی عظیمه /  
 زر بده فشنگ بخر جنگ وس یه دیمه / مر جنگه مرجنگه، خدا دونه جنگ تْفنگه<sup>(۱)</sup>

حماسه‌هایی که در میان قوم بختیاری رواج دارد، از نوع حماسه‌های پهلوانی است که جنبه اساطیری ندارند بلکه قهرمانان آن‌ها وجود تاریخی داشته و می‌توان رد پای قهرمانان این حماسه‌ها را در تاریخ تعیین کرد. این پهلوانان وجهه مردمی دارند و برای حفظ ارزش‌های ملی و دینی قیام کرده، مرگ را بر ننگ ترجیح می‌دهند. از نمونه این حماسه‌ها در ایران می‌توان به ظفرنامه حمدالله مستوفی و شهنشاه نامه صبا اشاره کرد.

معمولاً در میان اقوامی که زندگی حماسی و ماجراهای جنگ و صلح داشته‌اند، حماسه‌های پهلوانی وجود دارد. در قوم بختیاری به دلیل زندگی کوهستانی و داشتن روح سلحشوری و جنگاوری و شرکت در جنگ‌های مختلف معاصر از زمان سلطان محمود غزنوی با هندویان تا جنگ نادرشاه و افغان‌ها، حماسه به‌طور پررنگ وجود داشته است. معمولاً همه حماسه‌های بختیاری منظوم و به شعر است. اگرچه به علت فضای اختناق، سراینده بسیاری از این اشعار مشخص نیست ولی نفوذ این اشعار در میان ایل و نندان به حدی است که کسی هم که سواد خواندن و نوشتن ندارد، بسیاری از این حماسه‌ها را در خاطر دارد.

قهرمانان این حماسه‌ها عموماً درنبرد با حکومت‌ها و با دسیسه آنان به قتل رسیده‌اند و یا با نیرنگ و فریب آنان به دام افتاده‌اند. بیشتر آن‌ها با یک ضدقهرمان روبه‌رو بوده و پس از مواجهه با دشمن رشادت‌های زیادی از خود بروز داده‌اند. برخی از شاعران این قوم



حماسه‌های پهلوانان را به فارسی سروده‌اند ولی به علت این‌که گویش مردم منطقه به لری است، این اشعار جای پای مردمی در بین قوم ندارد. گرچه زیبا و باعث آشنایی دیگر هم‌وطنان با حماسه‌های این قوم شده است. از نمونه این حماسه‌ها شعر «شبیخون» یوسف علی میرشکاک در مورد علی مردان خان است که با مطلع: بیشه بیدار بود و بید و بلوط / بادبان‌های باد آتش گرد / روبه امواج جاودانه کوه / پشت با دشت پر ز مرکب و مرد / سم به سم داغ مرگ بر تن داشت / آغاز می‌شود.

شاعر معروف دیگر این دوره یوسفعلی میرشکاک است که اشعار او بیشتر محتوای سیاسی اجتماعی دارد. قهرمان محمدی شاعر دشتکی زاده شده در سال ۱۳۳۴ و کورش کیانی قلعه سردی که در سال ۱۳۴۹ در روستای قلعه سرد متولد شده از دیگر شاعران پس از انقلاب هستند.

## ۲. اشعار دینی و مذهبی (نعت و تحمیدیه)؛

اشعار مذهبی و دینی و به‌خصوص تحمیدیه‌ها و توحیدیه‌ها، در اول اشعار شاعران و نعت رسول اکرم (ص) و مدایح ائمه اطهار اگرچه در زبان فارسی دارای سابقه طولانی بوده ولی در گذشته ادبیات این قوم ضعیف و کم‌رنگ بوده و در چند دهه اخیر رواج و رونق یافته است. به‌خصوص ذکر حوادث کربلا، عاشورا و... که باعث آشنایی اذهان عمومی و گسترش محتوا و مضامین عاشورایی در شعر بختیاری گردیده است به پس از انقلاب ایران مربوط می‌شود. نمونه‌های مختلف از این‌گونه شعر در ابتدای دیوان‌های صاحبان دیوان به چشم می‌خورد.

این اشعار شامل وصف و ستایش ذات باری تعالی و پیامبر اسلام و ائمه معصومین یا دارای مضامین دینی است. با امعان نظر در شیعه دوازده‌امامی بودن همه قوم بختیاری، اشعار آن‌ها در آغاز دیوان و کتاب‌های شعر، در همین موضوع است. سرایش این نوع اشعار با شعری چون داراب افسر، پژمان بختیاری، ملا زلف‌علی کرّانی در دوره مشروطیت و داراب رئیسی، عبدالعلی خسروی، بیژن حسینی، نصرت‌الله بهرامی و... پس از انقلاب اسلامی بوده است. اشعار دینی این قوم را نگارنده به سه دسته تقسیم‌بندی کرده است:

الف. تحمیدیه‌ها؛ در وصف ذات الهی است و ناشی از اعتقاد سراینده آن به خداوند متعال است. این اشعار عموماً در آغاز دیوان شاعران آمده و شاعران کلام خود را به آن

زینت داده‌اند. نمونه این تحمیدیه‌ها که از اخلاص و ساده‌دلی نیازمندان به درگاه حق است شعر «شُرگ» از بیژن حسینی است.

به نُوم هم خُدایی کافریدم / به غَرَقُو حین دل تی وند و دیدم / یه دم لطف خدا وا بی به  
حالم / اور دست و زمنجا غم کشیدم / یه دم واییم زیاد حق مو غافل / خدا بازم نیش  
و باز دیدم / ایر نیدی مونه منجا تش غم / مو تا حالا اسهدم حاک اییدم / برم واره دو دسته  
هی [نم شُرگ / که زی ره پر ز غم ویدم رسیدم / کنه بیژن ز دل شُرگ خدانه / که بی لطف  
خدا هیجا نبیدم (۲) (حسینی، ۱۳۷۳: ۵)

اگرچه عمده تحمیدیه‌ها به گویش بختیاری است ولی برخی از شاعران بختیاری به زبان فارسی نیز تحمیدیه دارند. نصرت‌الله بهرامی شعری دارد با عنوان قبله دوست:

ای در رحمت تو بر همه باز      جمله خلق را به توست نیاز

غم عشقت به جان زند آتش      عاشقانت همه به سوزوگداز

(آسمند، ۱۳۸۰: ۹۷)

ب. نعت و منقبت؛ اشعاری که در ستایش پیامبر اسلام و نعت ایشان و مناقب ائمه اطهار و معرفی شخصیت و بزرگی مقام آن‌هاست و معمولاً پس از تحمیدیه‌ها در دیوان آورده شده است. داراب افسر، داراب رئیس، عبدالعلی خسروی و دیگران معمولاً از این نوع شعر دارند. نمونه این مناقب شعر «عمرویه» داراب افسر در مورد شجاعت و دلاوری حضرت علی در برابر عمرو بن عبدود است.

بُوو معاویه کُر حَرَبِ ابوسُفیان بید      خواست از مذهب اسلام بیره تارو تبار

به سَر احمدِ مرسل قَشِن از کینه کشید      حضرت خیر بشر بید و تمام انصار

عمرو از کینه و لَج اسبه ز خندق پرید      مات وابین همه خلق از او اسب و سوار

ز غروری که به سر داشت ز دل نعره کشید      یا محمد په چته؟ سی چه نشستی به حصار؟ (۳)

(داراب افسر، ۱۳۷۳: ۱۳۱)

پ. ادعیه؛ اگرچه در شعر شاعران بختیاری ادعیه و مناجات خوب و دل‌نشینی همچون مناجات ملا زلف‌علی وجود دارد ولی بخشی از این اشعار عموماً سینه‌به‌سینه نقل شده و شامل اشعاری بی‌تکلف و ساده است که سراینده مشخصی ندارند؛ و به گویش محاوره‌ای

بختیاری نزدیک است. بیشتر این اشعار جزء فولکلورها محسوب شده و یا جزو ادبیات شفاهی این قوم است. برخی از این اشعار مقید به وزن و قافیه هم نیستند و خارج از وزن عروضی سروده شده‌اند. مثل:

رَهْدُمُ به سِیلِ صحرا / سُواری دیدمُ تهنّا / گُدمُ سوار تو کینی / گُدمُ محمد مصطفّا  
گُدمُ چه داری در بغل / گُدمُ کتاوی پُر غَزَل / گُدمُ درارین تا بِخونین

### ۳. گاگریوها؛

این نوع اشعار در سوگ و مجلس عزای درگذشتگان خوانده می‌شود. واژه گاگریو در بختیاری به نام‌های دیگری مثل «گوگریو» و «سرو» مخفف سرود است. این کلمه از دو جزء گاه به معنی گاهی و گریو به معنی گریه کردن و مجموعاً به معنی گریه کردن است. حال برای این‌که گریه آن‌ها دارای محتوا باشد، اشعاری هم می‌خوانند. معنی دیگر گاگریو از گوی (گفتن) ریشه (گوی) و گریو به معنی گریستن و مجموعاً به معنی گفتن و گریستن است؛ یعنی می‌گویند و می‌گریند (آسمند، ۱۳۸۰: ۱۸۱).

این اشعار با توجه به شأن و خصوصیات فرد درگذشته گاهی به صورت فی‌البداهه خوانده می‌شود. قبلاً این اشعار را زنان در مراسم سوگواری می‌خواندند و با تغییر نام فرد فوت‌شده ابیات در توصیف خوبی، محبت، مهمان‌نوازی، بزرگی، شجاعت، سوارکاری، تیراندازی و دیگر خصلت‌های افراد خوانده می‌شد. با توجه به استقلال معنای هر بیت رعایت ترتیب و توالی در خواندن ابیات ضرورتی نداشت ولی محتوای همه این ابیات یکسان و در مورد غم از دست دادن متوفا بوده است. رسم بر آن بوده که یکی از زنان سرشناس و معروف بیت گاگریو را می‌خوانده و همه زنان با او هم‌نوا می‌شدند. پس از خواندن چند بیت، بیتی که همانند بیت ترجیع است توسط همه زنان بازخوانی می‌شود. این شیوه در مراسم عزا ممکن است تا چند ساعت به طول انجامد. قابل ذکر است که در حین خواندن، زنان حاضر در مجلس به‌طور دسته‌جمعی گریه و شیون سر می‌دهند و بر همین اساس است که می‌گویند «گوی‌گریو» ولی امروزه شیوه گوی‌گریو توسط مردان هم در مساجد انجام می‌گیرد و همانند مراسم مداحی رایج در شهرها شروع به گوی‌گریو می‌کنند ولی به گویش لری است. گاگریوها طبق بررسی نگارنده به چند موضوع اختصاص دارند که برخی از مضامین آن ذکر می‌شود.

الف. گاگریو در وصف اندام و جسم فرد در گذشته مثل:

ای جَوون ای حاجتی مرگت حرومه / تا سَوِیلت زیدِه خطِ عُرمتِ تموم

ب. گاگریوهایی که در وصف ایمان و اخلاق فرد در گذشته است. مثل:

اُسو که آقام اَره به چادرپوش / چی بلبل حرف ازنه خانای گرن گوش

پ. گاگریوهایی که در شکوه از روزگار است مثل:

ای خدا کار تُوئه کارت مَوا راسد / کِردی وُرم کاری که دشمنون خاسد

ت. گاگریوهایی که در عین غم‌انگیز بودن رنگ و بوی سیاسی دارد. مثل:

دشمنون ز بعد مُو چاره ندارن / گُویل نیله سوار به هفت و چارن

ث. گاگریوهایی که صرفاً غم‌انگیز و ناشی از تألمات روحی است. مثل:

گُور کَنون گُورم کَنین مرگم حاضریه / ددومه خور کَنین مر کافرِیه<sup>(۴)</sup>

۴. شعر چالشی (فلسفی)؛ این نوع شعر با ملا زلف‌علی شروع شد. مضمون چالش او که به شیوه فلاسفه بدبین به عالم خلقت همچون خیام در شعر بختیاری راه یافت بعد از او به وسیله داراب افسر به کمال رسید. کامل‌ترین چالش در ادبیات بختیاری مربوط به اوست. شعر مهرباب بختیاری پایان این چالش‌ها محسوب می‌شود. ملا زلف‌علی در این اشعار که به همت پروفیسور مارویک در روسیه چاپ شده چالش خود را به درگاه الهی بیان کرده است.

ای که از اصل و بد نیک خور خت داری	پرده عیو مکن پاره که خت ستاری
به بیاوون تو هفتادودو ره پیدا هد	سیچه یه دز من هفتادودو ره واداری
به همی یه نفریس ایزنه هفتادودو ره	لُر بدنام ایکنی دز ولات خت داری
دز لُر آر بدزه گاو وخری وُر منه مال	دین و ایمون دزت ایدزه از بدکاری
بونه جُستی که کنی آدم وادر به بهشت	اُر که گندم بده سی چه به بهشت
آفریدی همه هفتادودو ملت به جهون	تو به هفتادودو ملت همسون جر داری
ایقده خر جت اوبد باغ بهشت کردی	اُر چنونه به خدا نیره منس دیاری <sup>(۵)</sup>

(ملا زلف‌علی، ۱۳۷۶: ۱۱-۳۷)

## ۵. اشعار فولکلوریک و ترانه‌ها؛

این نوع شعر بختیاری دارای اقسام مختلف و با موضوعات متنوع است. برخی مضامین آن شاد و مخصوص مراسم شادی و عروسی، برخی را هنگام کار مثل دوشیدن گاو و گوسفند و مشکه زدن یا خواباندن بچه‌ها و برخی را به صورت ادعیه و... می‌خوانند. برخلاف ادبیات فارسی که بخش عمده‌ای از آن، خمیه‌ها و هزل و هجو را تشکیل می‌دهد شعر بختیاری عاری از این مضامین، جدی و به حیات انسانی، کار و تلاش مداوم مربوط است. این بخش از ادبیات شفاهی بختیاری از ذخایر باارزش فرهنگی نیز محسوب می‌شود که عموماً غیر مکتوب است.

۱-۵. ترانه‌هایی که هنگام کار و تلاش خوانده می‌شود. مثل:

ای مشک بزن که دیرمه / یه کُر کوچیر وُر شیرمه / مشکُم زیدُم رِکِ بهُونم / کِرسِ اِدُم  
شُو به مهمونُم / مشکُم زیدُم وُرچِم دره / پُر دره بید میش وَا بره

۲-۵. اشعاری که هنگام شکار خوانده می‌شود. مثل:

اَر اُخوی زَنی زِ دار بُلندون / سه ماه پاهیز تا ده روز زِمستون / پازنی چه خردیه چُنه  
هدی رنگ / شیِر دام خردمه وُ او کُهرنگ / صیادونی پَـلـل دا بُریده / کُه بی  
شکال مَین رُهس بی تریده

۳-۵. اشعاری که در عروسی خوانند. مثل:

رهمون دیره رهمون دیره ناهوار / ز دولت آقا همه مُون تلمیت سوار / آقا دووا وا  
رفیقس درغوناسون شابه شا / ورمیون درغوناسون دو بُنه زری گیا / آقا دووا وا رفیقس  
درغوناسون ری به ری / وُر میون درغوناسون دو بُنه بایم شیری<sup>(۶)</sup>

۴-۵. فولکلورها و ترانه‌هایی که به عنوان ادعیه به کار می‌روند. مثل:

هار هار هارونک / خدا بزن بارونک / سی او عیال دارون / خدا بزن بارونک / گندما که  
زیر خاکن / ز تشنِس هلاکن

۵-۵. ترانه‌هایی که برای کودکان و آرامش آن‌ها می‌خواندند. مثل:

هی یه هی مه / تنگه بزن بیو به ره / مو دُهدر بساکم / از نهرِ کربلایم / ای حیدر  
سلیمون / قالی به میدون

۶. اشعار عاشقانه؛

گسترده‌ترین قسم اشعار بختیاری عاشقانه‌هاست. قسم اعظم این اشعار در توجه به جسم و جنس و وصف حال عاشق در برابر فراق از معشوق و آه و زاری و ندبه نسبت به عدم امکان وصال است. ذکر حسرت بر روی وارگه‌های معشوق (اطلال و دمن) همانند شعر عرب است. این نوع شعر به علت همراهی با موسیقی به سرعت در جامعه بختیاری و حتی خارج از آن حوزه نفوذ دارد. قشر جوان گرایش زیادی به این نوع شعر دارد. تمام شعر عاشقانه این قوم که در قالب غزل سروده شده مربوط به عشق زمینی (مجازی) است. پژمان بختیاری غزل زیبایی در این خصوص دارد که یکی از انواع اشعار بختیاری او این عاشقانه است:

ای به فُریون تو بی عِقشِ تو جُون سی چِنومه	اَر کَفِ پاتِه نَبوسُم مو دُهون سی چِنومه
مُو نَمَنم تو بِمَنی که مو خَارُم تو گلی	جُون توئی اَر تو نَبوی وام دِهه جون سی چِنومه
اَر نگوُم درد تو مِن نام که اُمید مونی	سی چه کِرکِر بکنم واکش و زُون سی چِنومه
اَر تو شُل شُل نکنی واکد و بالا منه مال	بِهلمی کُه بگرم مال و بهون سی چِنومه
مچد ایرُم که دعا وُر تو و جُون تو کنم	اَر نه سجاده و تَزییه و قُرون سی چِنومه
تیر مرزنگ تونه حَردم و رهدُم بچریت	هی کُر زال بگُو تیر و کَمون سی چِنومه <sup>(۷)</sup>

(پژمان بختیاری، ۱۳۶۸: مقدمه هشتاد)

شهرت بیژن حسینی از شاعران این دوره مدیون دوبیتی‌هایش با نام «برگ چوگ» است. دوبیتی زیر از اوست:

کَشُم سُرْمه به مرزنگِ بَلندت	کَشُم شوْنه به زلفونِ کَمندت
کُنم چارو وِر پاتِه به مرزنگ	که تا رستم بِنه دسته به بَندت

(حسینی، ۱۳۷۳: ۶۱)

از این اشعار که در توصیف جسم معشوق است چند بیت نمونه ارائه می‌شود.

چه خُوو شو مَهی پاتشِ تُنگی / زِ شُمی گپِ بَزَنسی با همدرُنگی / بیو بِریم  
 حُونه حُومون حُونه خُو تونه / بوس کنیم بازی کنیم کسی ندونه / نکنی گلوگری شو مه  
 بیایی / خَت به کشتن بدی مونه ری سیاهی / به بلندی گردنت سیت چتر ایسازُم / تیلت  
 قبله کُنم سیت جانمازُم / پات بِنه حلقه رگو بیو ترکِ رونم / عَرقِ پستونلت تر  
 کرده شوْنم<sup>(۸)</sup>

از داستان‌های عاشقانه بختیاری منظومه غنائی عبدممدلری است. این شعر بیانگر احساسات و عواطف فردی عاشق در راه رسیدن به معشوق است. خلاصه داستان چنین است که عبدممد در جوانمردی و تیراندازی و شجاعت بی‌مانند بوده روزی سوار بر اسب به دختری به نام خدابس برخورد می‌کند و شیفته او می‌شود. عبدممد بستگان خود را برای خواستگاری می‌فرستد ولی برادران و پدر خدا بس با این وصلت مخالفت می‌کنند و تصمیم می‌گیرند دختر خود را به کس دیگری بدهند. اصرار خدابس هم کارگر نمی‌افتد تا این‌که آن‌ها تصمیم می‌گیرند شب عروسی باهم فرار کنند. شب عروسی فرامی‌رسد و خدابس به بهانه‌ای از بُهون (چادر) بیرون می‌آید و با عبدممد که با اسب سفیدی منتظر او بوده فرار می‌کنند. آن‌ها هفت شبانه‌روز می‌روند تا به شوشتر می‌رسند. مدتی بعد که آب‌ها از آسیاب می‌افتد، تصمیم می‌گیرند برگردند هر دو تا سمت شمال بختیاری به قلعه زراس می‌رسند خان محل دستور می‌دهد، عبدممد را دست‌بسته به خدمت او ببرند. او پس از تحمل زندان با فریب دادن زندانبان موفق به فرار می‌شود و به لمر می‌رود تا سراغ خدابس را بگیرد. هنگامی که به کنار رودخانه می‌رسد، می‌بیند، جسد خدابس را غسل می‌دهند او به سروصورت خود می‌زند و شیون به پا می‌کند ولی بزرگان محل او را دلداری می‌دهند. وقتی می‌فهمد خدابس را برادرانش کشته‌اند، تصمیم می‌گیرد انتقام بگیرد. پس از کشتن برادران خدابس و پسر خان که خواستگار خدابس بوده به محلی می‌رود تا دیگرکسی او را نشناسند. این ابیات از منظومه عبدممدلری است:

عاشقُم سی لُوونت دردم دوا کن / مرضی من جوئمه رو سیم دُعا کن / زین مایون بنین  
ور مایون نیله / مو بردم خدابس هفت شو تیره / زنجیر ایلخانی نه یه شو بریدم / صد  
ریال صد نیم ریال سی گل خریدم / بردنم قله زراس دل کرد خیالت / هر چی که خرچت  
کردم خوش حلالیت / من کتک سیل ایزنم لمر دیاره / لاش اسپید خدابس مین او دیاره /  
عبدممد لری سیچه نمردی / چارشنبه بیست و یکم خت گل بردی<sup>(۹)</sup>

بخش دیگر از اشعار عاشقانه تصنیف‌های شاد است که هنگام جشن‌ها و عروسی‌ها همراه با موسیقی و دایره و گاهی همراه با نی خوانده می‌شود. اکثر مردم محلی تحت تأثیر این نوع موسیقی هستند.

### ۷. اشعار توصیفی؛

این اشعار در توصیف ایل و کوچ و وصف طبیعت و دشت و دمن و کوهساران و دیگر مظاهر طبیعی است؛ و در عین سادگی و صراحت، زیبا و باصفای ایلپاتی همراه است. مثال: وقتی که ایل ایگدرته بس اگون مال کُنون / همه وا بار اکنن چادر و خورجین و بُهون / قاطرون بار اکنن هر چی که دارن جل و بند / منه تلمیت انشینه بی بی گل و الو خند / میرسم زین اکنه اسب و و به شونس برنو / گله و رمنه رُونن ارون وُر سر او / وقتی که ایل ارسه و اروه بال گُدار / گلسه و رمه اریسن منه او واخرو بار<sup>(۱۰)</sup> (خسروی، ۱۳۷۵: ۱۴۸)

علاوه بر خسروی، شاهین پورسالار شجاعی، جواد خسروی نیا، بقیه شاعران هم در این نوع شعر طبع آزمایی کرده‌اند.

### ۸. مناظره؛

یکی از انواع مهم ادبی مناظره است. این نوع ادبی در گویش بختیاری مسبوق به سابقه است. مهم‌ترین شعر داراب افسر پس از خدائیه، شعر «همیلا» مناظره پسر لر با دختر شهری است که در بیش از دویست و پنجاه بیت سروده شده است. چند بیت از مطلع آن نقل می‌شود:

ای وای یو کینه که منی حور بهشته / ئی دهدر کینه که چنو حور سرشته / پاهاس اگویی شاخ بلور منه ظرفن / دستاس منی غنچه کلوس دم برفن / دختر: ای وای پس این کیست ز ما وصف نماید / با لهجه شیرین ز چه ما را بستاید / یک ذره ز مهرش به دلم هیچ اثر نیست / خاکم به سر ای وای خدا این سر خر کیست / پسر: گپ با مو بزنی ای مو به قربون زبونت / قربون همو زلف کرنج سر شونت / قربون سر و زلفت و کج زیدن شونت / قربون گپا تنگت و او خال لوونت / دختر: ای لر اثر نرگس شهلا تو ندیدی / خم درخم آن زلف چلیپا تو ندیدی / چون سرو چمن با قد رعنا تو ندیدی / ای لر بچه گویا زن زیبا تو ندیدی / پسر: کج بستن دسمال زلیخانه تو ندیدی / قر دادن شولار همیلانه تو ندیدی / اسپیدی ریس و پس پانه تو ندیدی / دیدم همه جاسونه و هیچ جانه تو ندیدی<sup>(۱۱)</sup> (داراب/افسر: ۱۳۷۳، ۱۴۳)

باملاحظه بیان زیبایی‌های همیلا دختر حسادت می‌کند و از خود تعریف می‌کند.



## ۹. اشعار سیاسی - اجتماعی؛

اشعار سیاسی - اجتماعی در قوم بختیاری دارای قدمتی پس از مشروطه است. از اولین نمونه‌های شعر سیاسی - اجتماعی، اشعار داراب افسر بختیاری است که چند بار هم به صورت نمایشنامه درآمده و تحت عنوان تئاتر «رستاخیز مسجد سلیمان» بر روی صحنه رفته است. داراب افسر می‌گوید «زمانی که بیگانگان در کشور ما منابع سرشار میهنمان را ظالمانه مورد تجاوز قرار داده و در این راه از هیچ‌گونه ظلم و تعدی خودداری نمی‌کردند، آن‌چنان احساسات میهن پرستانه‌ام تحریک شد که این اشعار را که آهنگ مخصوص دارد و اینک یکی از دل‌انگیزترین آواهایی است که در میان بختیاری‌ها متداول شده سرودم.» (داراب افسر، ۱۳۷۳: ۱۸۷) شروع این اشعار با منظره قبری است که به امر الهی شکافته می‌شود و مردی به نام کابنگرو که سال‌ها پیش در گذشته سر از قبر بیرون می‌آورد. مطلع آن با این بیت آغاز می‌شود.

کُجِه رَهده کُناری؟ / کُجِه رَهده مُناری؟

وقتی کابنگرو یک انگلیسی را در کارخانه نفت می‌بیند می‌گوید:

کُرّی ز مالِ کینی؟ / کُماری یا که شهنی؟ / پَ تی یات سی چُونونه؟ / پَ می یات سی چُونونه

بخشی از اشعار سیاسی - اجتماعی بختیاری آمیخته با اشعار حماسی است که در جدال با ظالمان حکومتی سروده شده و بیانگر نفرت شاعران از ظلم حاکم است. در حماسه علی مردان خان شاعر سروده است.

چی کَلا پَریر زُنم رُوم به تَهرون / اسمِ شانه کور کُنم شا علی مردون / کاشکی که مو بیدمی جا ممدعلی خون / خاکِ تَهرون یکشم سی عروستون  
از شاعران بختیاری، خان‌بابا خان در سال ۱۳۳۵ یوسف علی میر شکاک، فرود شجاعی، کورش کیانی و برخی دیگر دارای شعر سیاسی - اجتماعی‌اند.

## ب. انواع شعر رایج پس از انقلاب اسلامی

### ۱. شکوه و حسب‌حال؛

این اشعار در قبال ناملایمات و محرومیت‌ها سروده می‌شود و حکایت از رنج و درد، اندوه و یأس، ناکامی و تیره‌بختی است. گویندگان بختیاری به علت مهاجرت به شهرها و

اسکان اجباری آن‌ها که با عنوان تخت قاپو در زمان پهلوی مطرح و با مخالفت عمومی همراه شد، پیوسته به یاد دیار و سرزمین آبا و اجدادی خود بوده و در غم دوری از مامن و مأوای خود ندبه‌ها سر داده‌اند. این نوستالژی در شصت هفتادسال اخیر رونق فراوان و بازتاب گسترده در اشعار بختیاری داشته است. قهرمان محمدی، سید علی صالحی، اکبر بهداروند، عبدالعلی خسروی، حسن شامنصوری، گودرز رزمگاه، مراد دانشور، عباس ارشاد و برخی دیگر در این موضوع شعر سروده‌اند. داراب رئیسی یکی از شاعران این قوم در مثنوی زیبایی این‌گونه می‌سراید:

کاش ایمرْدُم و نیویدُم به شهر / کاش نیکردُم ز بُوم و دام قهر / کاش ایمندم مننه مال  
خُمون / تی تش اولادُ و فامیل خُمون / کاش ایبیدُم مو چی میخ بُهون / کاش نی بیدُم چو  
اور آسمون / پیش خُم هی فکر ایگرُم به شهر / اوچو و ابیل ایکنن حلوانه بهر / رئیسی، ۱۳۷۰:  
(۴۸)

## ۲. مفاخره؛

از موضوعات دیگر در اشعار این قوم مفاخره است. «مفاخره از فروغ حماسه است زیرا بنای آن بر اغراق در باب صفات نیکو و ذکر اعمال پهلوانی است.» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۲۴) بختیاری‌ها با از دست دادن موقعیت‌های سیاسی اجتماعی خود پس از مشروطه و اسکان اجباری در شهرها به یاد گذشته ایلپاتی و یادآوری سخاوت، بخشندگی، شجاعت، جنگاوری خود اشعاری دارند و با افتخار از آن یاد می‌کنند. این خاطرات، خاطرات جمعی مردمی است که به علل مختلف از شهر و دیار خود جدا شده‌اند و هویت خود را از دست داده‌اند. مفاخرات در این قوم انواع مختلف دارد. از جمله این نمونه:

چلگرد وری ویدنه گوپل ز ولاتا / تا بل بگون از رستم و بیداد شُغاتا / اجداد مو افتونه  
اوردن سر کلار / شستن ز ریا مون همه تاریکی و ادبار / سی دفع ستم گلشن مشروطه نه  
وردن / طوماره سلطونی زنباره‌نه دردن / مو ناخلفم کردمه اجداد فراموش / رهدم بمنه چاله  
تش پاله اوچوش<sup>(۱۲)</sup> (خسروی، ۱۳۷۵: ۲۷۲)

## ۳. شعر اخلاقی و اندرزی؛

سرودن اشعار ارزشی و اخلاقی و پند و اندرز به جای اشعار دیگر، از موارد دگرگونی شعر دوره انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. اگرچه نمونه‌هایی از این شعر قبل از این دوره

هم وجود داشته، ولی این دوره، دوره تفوق شعر ارزشی و توجه به آن از سوی شاعران بوده است. گودرز رزمگاه با خوی درویشی خود از این نمونه‌ها اشعار زیادی دارد.

یه شوی خُم تَک و تینا بنشستُم حونه / وز غم چرخ و فلک پاک اویم دیونه / همه امید به دلسون که صوه بهتر ابو / هر چی مو سیل اکنم صب ایبو وارونه (خسروی، ۱۳۷۲: ۲۳۱)

۴. شعر پایداری؛ تا قبل از دوره انقلاب اسلامی این نوع شعر در بین اشعار بختیاری وجود نداشته است و عمده محتوای شعر بختیاری را عاشقانه‌ها و شعر حماسی تشکیل می‌داده ولی با ظهور انقلاب و دگرگونی‌های اجتماعی و به‌خصوص حوادث جنگ تحمیلی شاعران تحت تأثیر آن قرار گرفتند و ذائقه شاعران تغییر یافت و به‌جای پرداختن به شعر غنائی دیگر موضوعات در شعر رونق یافت. از نمونه‌های آن «شعر جنگی» است با مطلع:

آسمون تنگه قرمنشتی ز اُورا نیورِیسه / هُشک اویدن غلّه‌ها گرتی ز بالا نیورِیسه (همان: ۲۶۵)

۵. ادبیات اعتراضی؛ این نوع شعر در گویش بختیاری نوپاست. از شاعرانی که به این گویش شعر گفته‌اند: فرود شجاعی و کورش کیانی است. فرود شجاعی با شعر تساوی اشاره ظریفی در این خصوص دارد:

معلم رهد پا تخته / گره‌د بید گج منه دَسِس / اُسو ریس کَرَد به شاگردون / وگد گوشتون بدین وا مو / تساوی درس امروزه (خسروی، ۱۳۷۵: ۹۴)

۶. ادبیات انقلابی؛ پس از انقلاب اسلامی برخی شاعران به پاسداشت انقلاب و دفاع مقدس و تحت تأثیر آن با مضامین انقلابی در دفاع از آن اشعاری سروده‌اند. از شاعران این گونه ادبی داراب رئیسی، فریده چراغی و برخی دیگر هستند. شعر داراب رئیسی در سوگ امام (ره) با مطلع زیراز نمونه‌های آن است. سُواری واشتاب و بی‌قراری / خور آورد به ایل بختیاری / خور آورد آفتو دی نپاهه / ستاره رهد و مه دی نی دراهه (رئسی، ۱۳۷۰: ۳۹)

۷. نوستالژی؛ «این نوع شعر خاطره و بازگویی و یادآوری گذشته است و احساس دل‌تنگی به آن، به‌گونه‌ای که انسان را نسبت به واقعیت فعلی بدبین می‌کند.» (شریفیان، ۱۳۸: ۱۱) شاعران این قوم بدین وسیله نقبی به دنیای کودکی خود زده و برای ارزش‌های دوران کودکی احساس دل‌تنگی و نوستالژی می‌کنند. غبطه بر گذشته عامل مهمی بر سرودن اشعار و یاد از گذشته خود است. شاعر به یاد ایامی که در دل کوهستان و طبیعت

با بره‌ها همراه بود و به یاد چاله‌های آتش به‌جای مانده از ایل و به یاد کوچ نوا سر داده و خاطرات جوانی خود را مرور می‌کند. قهرمان محمدی از شاعران این ایل سروده است:

دل اوردم به منه شهر و چنو خوارم کرد / جنس وازیده و بی ارزش بازارم کرد / مثل  
 باهنده به کهساری پرسم شو و رو / بالمه کند و منه حونه گرفتارم کرد / دور یک وا کس و  
 کارون و گگیل بیدم / ز من ایل و تبار همسون تارم کرد

از شاعران این گونه شعر، عباس ارشاد، داراب رئیسی، قهرمان محمدی، مرید شهبازی، عبدالعلی خسروی و بسیاری دیگر است. چند بیت از مثنوی فال حافظ از زنده‌یاد قیصر امین پور که در سال ۱۳۵۹ در گتوند سروده است.

قافله بار کُنه، دلم و بارِس / چی باری سرِ دلم، گرت غوارِس / تش سُرِی و دلم زدی و  
 ردی / مرودی بی سی تشی و دیو ردی / ز گتند تا دشت اوید تا عقیلی / همه جا سوز  
 آویده سوز قزیلی / همه جا سوز آویده غیر دل مو / ای گره نه کی کُشه ز مُشکل مو /  
 آسمو اوری گره ز قیل سیاتر / روز شو تی ره تونم و ای تیا تر / بخت تو چی رخت تو  
 سوز قزیلی / بخت مو چی رخت مو سیا و نیلی / واکتاو حافظم گُرمه فالی / دشمنت بینا  
 چه فالی و چه حالی / سینه مالامال درد است ای دریغا مرهمی / دل زتنهایی به جان آمد  
 خدا را همدمی / (نوروزی، ۱۳۷۷: ۱۳۳)

### نتیجه‌گیری

علی‌رغم تنوع قومیتی در جغرافیای ایران، ادبیات قوم بختیاری در طول تاریخ ادبی دارای انواع منحصر به فرد با ویژگی‌های سبکی متفاوتی بوده است. در دو قرن اخیر شعر گویشی این قوم هم در تعداد سراینده‌گان و هم در تنوع انواع ادبی رونق بسزایی یافته. این تحلیل باهدف دستیابی به انواع شعر بختیاری صورت گرفت. در این ارتباط معرفی اغراض و سبک اشعار شاعران بختیاری با ذکر نمونه‌های آن از معیارهای این تحلیل به شمار می‌آید. در این مقاله دریافته‌ایم که زیرساخت اندیشگانی شعر این دوره به شکل‌های مختلف با مضامینی حماسی، عاشقانه، فلسفی، مناظره، گاگریو (سوگواره) ترانه، فولکلور و... چنان‌که آمد پس از انقلاب مشروطیت به شکل چشمگیری رونق یافته است و با محتوای اجتماعی، سیاسی، انتقادی - اعتراضی، وطن‌دوستی، مفاخره، شکوه و حسب‌حال، نوستالژی، دفاع از تمامیت ارضی و دفاع مقدس، عرفانی، دینی و مذهبی، اخلاقی و... عمدتاً پس از انقلاب

در شعر گویش بختیاری رواج یافته است. گویش بختیاری پس از دوره مشروطیت با شتاب با انواع متنوع در قالب‌های مختلف به شعر روی آورد و شاعران بختیاری از آن استقبال کردند. در این مقاله نشان داده‌ایم پس از انقلاب اسلامی به دلیل حضور نهادهای فرهنگی، ارتباط با زندگی شهری و رفت‌وآمد آنان با مناطق شهرنشین، بیداری افکار عمومی، شروع جنگ تحمیلی، آشنایی آنان با مبانی دینی، باسواد شدن ایل و ندان، دگرگونی عمیقی در آن‌ها به وجود آورد... آثار این تحول در اشعار شاعران پس از انقلاب چشمگیر است. به‌عنوان یکی از دستاوردهای این پژوهشی می‌توان بیان کرد؛ جریان اقبال به انواع شعر در گویش بختیاری پس از انقلاب اسلامی، به وجود آمد و حاصل آن هویت مستقل متمرکز بر فرهنگ بختیاری است. این مطالعه پیشرفت در مضامین و محتوای اشعار گویش بختیاری را با کثرت شاعران این قوم پس از انقلاب نشان می‌دهد.

پیاوردی نوشت:

۱. دال: عقاب. و لنگر: به آرامی. بسوئم: بگیرم. نوم: نام. بنگس: صدایش
۲. غرقو: غرقاب. حین: خون. تی: چشم. نیش: نگاه کرد. اسهدم: می سوختم. شرگ: شکر
۳. تارو تار: هستی. قشِن: قشون. پرنید: پراند. جلات: رخت و اثاث.
۴. سوپلت: سبیل‌هایت. عرمت: عمرت. گیرن: می گیرند. ورم: با من. گوپل: برادران. هفت و چارین: در هفت لنگ و چهار لنگ هستند.
۵. خت: خودت. هد: هست. دز: دزد. واداری: نگه داشتی. یه نفریس: یک نفری. ولات: ولایت‌ها. ایمون: ایمان. وا در: خارج می‌کنی.
۶. رک بهون: ستون چادر. داربلندون: گوزن شاخدار. رهس: قله اش. پل: مو. تلمیت: زمین. درغوناسون: حجله‌هایشان.
۷. سی چنومه: به چه درد می‌خورد. دهن: دهان. مو نمم: من بمیرم. من نام: به گلویم بخورد. کرکربکم: باکسی حرف بزنم. منه مال: در میان چادرها. شل شل نکنی: با ناز راه نروی. بهلمی که بگرم: من باید سر به کوه بگذارم. مجد: مسجد مرزنگ: مرگان. رهدم بچریت: با سر افتادم.
۸. همدرنکیت: معشوقه‌ات. گلوگری: ناشی‌گری. تپلت: چشمانت.
۹. مایون: اسب. زراس، کتک و لار: نام مکان. لوونت: لبانت. که: کوه. ورچی: بردار
۱۰. ایگدرته: بار می‌کند. بهون: چادر. تلمیت: کجاوه. میرسم: مردش. روین: می‌رانند. ارون: می‌روند.
۱۱. دهدر: دختر. منی: مثل. شولار: شلوار.
۱۲. گوپل: برادران. بگون: بگویند. پاله: پیال

## منابع

- آسمند، علی (۱۳۸۰) تاریخ ادبیات در قوم بختیاری. انتشارات شهسواری.
- امان‌اللهی، سکندر (۱۳۶۰) کوچ‌نشینی در ایران. پژوهشی درباره عشایر و ایلات. انتشارات آگاه
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۰) قوم لر پژوهشی درباره پیوستگی قومی و پراکندگی جغرافیائی لرها در ایران. انتشارات آگاه
- اوژن بختیاری، سرهنگ ابوالفتح (۱۳۳۲). تاریخچه دو قرن شعرا و عرفای چهار محال و بختیاری.
- بختیاری، پژمان (۱۳۶۸) دیوان پژمان بختیاری. نشر پارسا
- حسینی، بیژن (۱۳۷۳) برگ چوگ. انتشارات کاوش
- خسروی، عبدالعلی (۱۳۷۲) تاریخ و فرهنگ بختیاری. نشر حجت اصفهان
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵) فرهنگ و ادبیات بختیاری. شهرکرد ایل با همکاری انتشارات غزل
- داراب افسر. (۱۳۷۳) دیوان داراب افسر. تصحیح غلامعباس نوروزی و پرویز موگویی. انتشارات هوش و ابتکار.
- داراب، افسر (بی‌تا) منتخباتی از اشعار شاعر فرزانه داراب افسر بختیاری. اصفهان. مشعل.
- دهقان، محسن (۱۳۷۶) دیوان ملا زلف‌علی بختیاری. انتشارات مشعل
- رئیس، داراب (۱۳۷۰) گلپانگ بختیاری. مجموعه اشعار داراب رئیس. انتشارات عشایری
- سردار اسعد، علی قلی خان (۱۳۶۳) تاریخ بختیاری. انتشارات پساولی
- شریفیان، مهدی (۱۳۸۹). روانشناسی درد. انتشارات دانشگاه بوعلی سینا
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳) انواع ادبی. تهران. انتشارات فردوس
- ملا زلف‌علی کرآنی (۱۳۷۶) دیوان ملا زلف‌علی بختیاری. به کوشش محسن دهقان... انتشارات مشعل
- نوروزی، غلامعباس (۱۳۷۷) کتاب آنزان. ویژه فرهنگ، هنر، تاریخ و تمدن بختیاری. کتاب دوم. موسسه آنزان
- *D. L. R. Lorimer, the phonology of the bakhtiari, Badakhshan, and Madaglashti Dialects of Modern persian (London, 1922) P. 1*

